

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۷۹

آیه ۱۴۲

آیه و ترجمه

سيقول السفهاء من الناس ما ولئهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل لله المشرق
والمغرب يهدي من يشاء الى صراط مستقيم ۱۴۲
ترجمه :

۱۴۲- به زودی سبک مغزان از مردم می گویند: چه چیز آنها را (مسلمانان را)
از قبله‌های که بر آن بودند باز گردانید؟ بگو مشرق و مغرب از آن خدا است هر
کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند.

تفسیر :

ماجرای تغییر قبله

این آیه و چند آیه بعد به یکی از تحولات مهم تاریخ اسلام که موجی عظیم در
میان مردم به وجود آورد اشاره می کند، توضیح اینکه: پیامبر اسلام (صلی الله
علیه و آله و سلم) مدت سیزده سال پس از بعثت در مکه، و چند ماه بعد از
هجرت در مدینه به امر خدا به سوی «بیت المقدس» نماز می خواند، ولی
بعد از آن قبله تغییر یافت و مسلمانان ماءورش شدند به سوی «کعبه» نماز
بگذارند.

در اینکه مدت عبادت مسلمانان به سوی بیت المقدس در مدینه چند ماه بود
مفسران اختلاف نظر دارند از هفت ماه تا هفده ماه ذکر کرده اند، ولی هر چه
بود در این مدت مورد سرزنش یهود قرار داشتند چرا که بیت المقدس در اصل
قبله یهود بود آنها به مسلمانان می گفتند: اینان از خود استقلال ندارند و به
سوی

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۰

قبله ما نماز می خوانند، و این دلیل آن است که ما بر حقیم.
این گفتگوها برای پیامبر اسلام و مسلمانان ناگوار بود، آنها از یکسو مطیع
فرمان خدا بودند، و از سوی دیگر طعنه های یهود از آنها قطع نمی شد، برای
همین جهت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شبها به اطراف آسمان

می‌نگریست، گویا در انتظار وحی الهی بود.

مدتی از این انتظار گذشت تا اینکه فرمان تغییر قبله صادر شد و در حالی که پیامبر دو رکعت نماز ظهر را در مسجد بنی سالم به سوی بیت المقدس خوانده بود جبرئیل ماء‌مور شد بازوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را بگیرد و روی او را به سوی کعبه بگرداند.

یهود از این ماجرا سخت ناراحت شدند و طبق شیوه دیرینه خود به بهانه جوئی و ایراد گیری پرداختند. آنها قبلاً می‌گفتند: ما بهتر از مسلمانان هستیم، چرا که آنها از نظر قبله استقلال ندارند و پیرو ما هستند، اما همین که دستور تغییر قبله از ناحیه خدا صادر شد زبان به اعتراض گشودند چنانکه قرآن در آیه مورد بحث می‌گوید:

«به زودی بعضی از سبک مغزان مردم می‌گویند چه چیز آنها مسلمانان) را از قبله‌های که بر آن بودند بر گردانید؟» (سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا عليها).

چرا اینها از قبله پیامبران پیشین امروز اعراض نمودند؟ اگر قبله اول صحیح بود این تغییر چه معنی دارد؟ و اگر دومی صحیح است چرا سیزده سال و چند ماه به سوی بیت المقدس نماز خواندید؟! خداوند به پیامبرش دستور میدهد به آنها بگو شرق و غرب عالم از آن خداست، هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند» (قل لله المشرق و المغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم).

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۲

این یک دلیل قاطع و روشن در برابر بهانه‌جویان بود که بیت المقدس و کعبه و همه جا ملک خدا است، اصلاً خدا خانه و مکانی ندارد، مهم آن است که تسلیم فرمان او باشید هر جا خدا دستور دهد به آن سو نماز بخوانند، مقدس و محترم است، و هیچ مکانی بدون عنایت او دارای شرافت ذاتی نمی‌باشد. و تغییر قبله در حقیقت مراحل مختلف آزمایش و تکامل است و هر یک مصداقی است از هدایت الهی، او است که انسانها را به صراط مستقیم رهنمون می‌شود.

نکته‌ها

نکته : ۱

«سفهاء» جمع «سفیه» در اصل به معنی کسی است که بدنش سبک

باشد و به آسانی جابجا شود، عرب به افسارهای سبک وزن حیوانات که به هر طرف حرکت می‌کند سبکیه می‌گوید، ولی این کلمه تدریجا به معنی سبک مغز به کار رفته و به صورت معنی اصلی در آمده، خواه این سبک مغزی در امور دینی باشد یا دنیوی.

نکته : ۲

سابقا گفتیم مسأله «نسخ» احکام و تغییر برنامه‌های تربیتی در مقطعیهای مختلف زمانی مسأله تازه یا عجیبی نیست که مورد ایراد قرار گیرد، ولی بهانه جویان یهود این مطلب رادستاوز خوبی برای انحراف افکار از اسلام پنداشتند، و روی آن تبلیغات زیادی کردند، اما چنانکه در آیات بعد خواهیم دید قرآن به آنها پاسخهای منطقی و دندان شکن داده است.

نکته : ۳

جمله «یهدی من یشاء» (هر کس را خدا بخواهد هدایت می‌کند) چنانکه سابقا نیز گفته ایم به این معنی نیست که خداوند بدون حساب کسی را هدایت می‌کند، بلکه این مشیت از «حکمت» خداوند و حساب مصالح و مفاسد سرچشمه می‌گیرد.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۲

آیه ۱۴۳

آیه و ترجمه

و کذلک جعلنکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا و ما جعلنا القبلة التي کنت علیها الا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه و ان کانت لکبیرة الا علی الذین هدی الله و ما کان الله لیضیع ایمنکم ان الله بالناس لرءوف رحیم ۱۴۳

ترجمه :

۱۴۳- همان گونه (که قبله شما یک قبله میانه است) شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم (که در حد اعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید و پیامبر هم گواه بر شما و ما آن قبله‌های را که قبلا بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم که افرادی از پیامبر پیروی می‌کنند از آنها که به جاهلیت باز می‌گردند مشخص شوند، اگر چه این جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده دشوار بود (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق صحیح بوده) و خدا هرگز ایمان نماز) شما را ضایع نمی‌گرداند، زیرا خداوند نسبت

به مردم رحیم و مهربان است.

تفسیر :

امت وسط

در آیه مورد بحث به قسمتی از فلسفه و اسرار تغییر قبله اشاره شده است .
نخست می گوید: همانگونه (که قبله شما یک قبله میانه است) شما را نیز یک
امت

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۳

میانه قرار دادیم (و کذلک جعلناکم امة وسطا).
امتی که از هر نظر در حد اعتدال باشد، نه کندرو و نه تندرو، نه در حد افراط و
نه تفریط، الگو و نمونه.

اما چرا قبله مسلمانان، قبله میانه است زیرا مسیحیان تقریباً به سمت مشرق
می ایستادند به خاطر اینکه بیشتر ملل مسیحی در کشورهای عربی زندگی
می کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد عیسی که در بیت المقدس بود
ناچار بودند به سمت مشرق بایستند و به این ترتیب جهت مشرق قبله آنان
محسوب می شد ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و مانند آن به سر
می بردند رو به سوی بیت المقدس که برای آنان تقریباً در سمت غرب بود
می ایستادند، و به این ترتیب نقطه غرب قبله آنان بود.

اما «کعبه» که نسبت به مسلمانان آن روز (مسلمانان مدینه) در سمت
جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت یک خط میانه محسوب می شد.
در حقیقت تمام این مطالب را می توان از جمله «و کذلک» استفاده کرد هر
چند در تفسیر این جمله مفسران احتمالات دیگری داده اند که قابل بحث و
ایراد است.

به هر حال گویا قرآن می خواهد رابطه ای میان همه برنامه های اسلامی ذکر
کند و آن اینکه نه تنها قبله مسلمانان یک قبله میانه است که تمام
برنامه هایشان این ویژگی را دارا است.

سپس اضافه می کند: «هدف این بود که شما گواه بر مردم باشید و پیامبر
هم گواه بر شما باشد» (لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم
شهيدا).

تعبیر به «گواه بودن» امت اسلامی بر مردم جهان و همچنین «گواه
بودن» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به مسلمانان، ممکن است

اشاره به اسوه و الگو بودن، بوده باشد، چرا که گواهان و شاهدان را همیشه از میان افراد نمونه انتخاب می کنند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۴

یعنی شما با داشتن این عقائد و تعلیمات، امتی نمونه هستید همانطور که پیامبر در میان شما یک فرد نمونه است.

شما با عمل و برنامه خود گواهی می دهید که یک انسان می تواند هم مرد دین باشد و هم مرد دنیا، در عین اجتماعی بودن جنبه های معنوی و روحانی خود را کاملاً حفظ کند، شما با این عقائد و برنامه ها گواهی می دهید که دین و علم، دنیا و آخرت، نه تنها تضادی با هم ندارند بلکه یکی در خدمت دیگری است. سپس به یکی دیگر از اسرار تغییر قبله اشاره کرده می گوید: «ما آن قبله های را که قبلاً بر آن بودی (بیت المقدس) تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از رسول خدا پیروی می کنند از آنها که به جاهلیت باز می گردند باز شناخته شوند» (و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه).

قابل توجه اینکه نمی گوید: «تا افرادی که از تو پیروی می کنند» بلکه می گوید: «تا افرادی که از رسول خدا پیروی می کنند» اشاره به اینکه تو رهبری و فرستاده خدائی، و به همین جهت باید در همه کار تسلیم فرمان تو باشی، قبله که سهل است، اگر ما فوق آن نیز دستور دهد بهانه گیری در آن دلیل بر حفظ خلق و خوی دوران شرک و بت پرستی است. جمله «ممن ينقلب على عقبيه» که در اصل به معنی برگشتن روی پاشنه پا است اشاره به ارتجاع و بازگشت به عقب می باشد.

سپس اضافه می کنند: «اگر چه این کار جز برای کسانی که خداوند هدایتشان کرده دشوار بود» (و ان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله). آری تا هدایت الهی نباشد، آن روح تسلیم مطلق در برابر فرمان او فراهم نمی شود، مهم این است که انسان چنان تسلیم باشد که حتی در اجرای این گونه فرمانها احساس سنگینی و سختی ننماید، بلکه چون از ناحیه او است در کامش

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۵

شیرینتر از عسل باشد.

و از آنجا که دشمنان و سوسه‌گر یا دوستان نادان فکر می‌کردند با تغییر قبله ممکن است اعمال و عبادات سابق ما باطل باشد، و اجر ما بر باد رود، در آخر آیه اضافه می‌کند: خداهرگز ایمان نماز (شما را ضایع نمی‌گرداند، زیرا خداوند نسبت به همه مردم رحیم و مهربان است (و ما کان الله لیضیع ایمانکم ان الله بالناس لرؤف رحیم).

دستورهای او همچون نسخه‌های طبیب است یک روز این نسخه نجاتبخش است، و روز دیگر نسخه دیگر، هر کدام در جای خود نیکو است، و ضامن سعادت و تکامل، بنا بر این تغییر قبله نباید هیچگونه نگرانی برای شما نسبت به نمازها و عبادات گذشته یا آینده ایجاد نماید که همه آنها صحیح بوده و هست.

نکته‌ها

۱- اسرار تغییر قبله

تغییر قبله از بیت المقدس به خانه کعبه برای همه سؤال انگیز بود، آنها که گمان می‌کردند هر حکمی باید ثابت باشد می‌گفتند اگر می‌بایست ما به سوی کعبه نماز بخوانیم چرا از همان روز اول نگفتند؟ و اگر بیت المقدس مقدم بود که قبله انبیاء پیشین محسوب می‌شد چرا تغییر یافت؟ دشمنان نیز میدان وسیعی برای سمپاشی یافتند، شاید می‌گفتند: او در آغاز متوجه قبله پیامبران گذشته شد، اما پس از پیروزیهایش نژاد پرستی بر او غلبه نمود و آن را به قبله قوم خود تبدیل کرد! یا می‌گفتند: او برای جلب توجه یهود و مسیحیان، نخست بیت المقدس را پذیرفت هنگامی که مؤثر نیفتاد آن را تبدیل به «کعبه» کرد.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۶

بدیهی است این و سوسه‌ها آن هم در جامعهای که هنوز نور علم و ایمان زوایایش را روشن نساخته بود، و رسوبات دوران شرک و بت پرستی هنوز در آن وجود داشت، چه نگرانی و اضطرابی ایجاد می‌کند. لذا قرآن صریحا در آیه فوق می‌گوید: این یک آزمایش بزرگ برای مشخص شدن موضع مؤمنان و مشرکان بود.

بعید نیست یکی از علل مهم تغییر قبله مسأله زیر باشد: از آنجا که خانه کعبه در آن زمان کانون بتهای مشرکان بود، دستور داده شد مسلمانان موقتا به سوی بیت المقدس نماز بخوانند و به این ترتیب صفوف

خود را از مشرکان جداکنند.

اما هنگامی که به مدینه هجرت کردند و تشکیل حکومت و ملتی دادند و صفوف آنها از دیگران کاملاً مشخص شد، دیگر ادامه این وضع ضرورت نداشت در این هنگام به سوی کعبه قدیمیترین مرکز توحید و پرسابقه‌ترین کانون انبیاء باز گشتند.

بدیهی است هم نماز خواندن به سوی بیت المقدس برای آنها که خانه کعبه را سرمایه معنی نژاد خود می‌دانستند مشکل بود، و هم بازگشت به سوی کعبه بعد از بیت المقدس بعد از عادت کردن به قبله نخست. مسلمانان به این وسیله در بوته آزمایش قرار گرفتند، تا آنچه از آثار شرک در وجودشان است در این کوره داغ بسوزد، و پیوندهای خود را از گذشته شرک آلودشان ببرند و روح تسلیم‌مطلق در برابر فرمان حق در وجودشان پیدا گردد.

اصولاً همانگونه که گفتیم خدا مکان و محلی ندارد، قبله رمزی است برای وحدت صفوف و احیای خاطره‌های توحیدی، و تغییر آن هیچ چیز را دگرگون نخواهد کرد، مهم تسلیم‌بودن در برابر فرمان او و شکستن بت‌های تعصب و لجاجت و خود خواهی است.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۷

نکته : ۲- امت اسلامی یک امت میانه

کلمه «وسط» در لغت هم به معنی حد متوسط در میان دو چیز آمده، و هم به معنی جالب و زیبا و عالی و شریف، و این هر دو ظاهراً به یک حقیقت باز می‌گردد زیرا معمولاً شرافت و زیبایی در آن است که چیزی از افراط و تفریط دور باشد و در حد اعتدال قرار گیرد. چه تعبیر جالبی در اینجا قرآن درباره امت اسلامی کرده است، آنها را یک امت میانه و معتدل نامیده.

معتدل از «نظر عقیده» که نه راه «غلو» را می‌پیمایند و نه راه «تقصیر و شرک»، نه طرفدار «جبرند» و نه «تفویض»، نه درباره صفات خدا معتقد به «تشبیهند» و نه «تعطیل».

معتدل از نظر ارزشهای معنوی و مادی، نه به کلی در جهان ماده فرو می‌روند که معنویت به فراموشی سپرده شود، و نه آنچنان در عالم معنی فرو می‌روند که از جهان ماده به کلی بی‌خبر گردند نه همچون گروه عظیمی از یهود جز

گرایش مادی چیزی را نشاناسند و نه همچون راهبان مسیحی به کلی ترک دنیا گویند.

معتدل از نظر علم و دانش، نه آنچنان بر دانسته‌های خود جمود دارند که علوم دیگران را پذیرا نشوند، و نه آن گونه خود باخته‌اند که به دنبال هر صدائی برخیزند.

معتدل از نظر روابط اجتماعی، نه اطراف خود حصار می‌کشند که از جهانیان به کلی جدا شوند، و نه اصالت و استقلال خود را از دست می‌دهند که همچون غربزدگان و شرقزدگان در این ملت و آن امت ذوب شوند! معتدل از نظر شیوه‌های اخلاقی، از نظر عبادت، از نظر تفکر و خلاصه معتدل در تمام جهات زندگی و حیات.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۸

یک مسلمان واقعی هرگز نمی‌تواند انسان یک بعدی باشد، بلکه انسانی است دارای ابعاد مختلف، متفکر، با ایمان، دادگر، مجاهد، مبارز، شجاع، مهربان فعال، آگاه و باگذشت.

تعصیب به حد وسط، تعبیری است که از یکسو مسأله شاهد و گواه بودن امت اسلامی را مشخص می‌سازد، زیرا کسانی که در خط میانه قرار دارند می‌توانند تمام خطوط انحرافی را در چپ و راست ببینند! و از سوی دیگر تعبیری است که دلیل مطلب نیز در آن نهفته است، و می‌گوید: اگر شما گواهان خلق جهان هستید به دلیل همین اعتدال و امت وسط بودن‌تان است.

نکته: ۳- امتی که می‌تواند از هر نظر الگو باشد

اگر آنچه را در معنی امت وسط در بالا گفتیم در ملتی جمع باشد بدون شک، طلایه‌داران حقند، و شاهدان حقیقت، چرا که برنامه‌های آنها میزان و معیاری است برای بازشناسی حق از باطل.

جالب اینکه در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) برای ما نقل شده می‌خوانیم: نحن الامة الوسطی، و نحن شهداء الله علی خلقه و حجة فی ارضه ... نحن الشهداء علی الناس ... الینا یرجع الغالی و بنا یرجع المقصر:

«مائیم امت میانه، و مائیم گواهان خدا بر خلق، و حجت‌های او در زمین، مائیم گواهان بر مردم غلو کنندگان باید به سوی ما باز گردند و مقصران

باید کوتاهی را رها کرده و به ماملحق شوند.»
بدون شک این روایات - همانگونه که بارها گفته‌ایم - مفهوم وسیع آیه را

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۸۹

محدود نمی‌کند، بلکه بیان مصداقهای کامل این امت نمونه است، و بیان الگوهائی است که در صف مقدم قرار دارند.

نکته : ۴- تفسیر جمله «لنعلم»

جمله «لنعلم» (تا بدانیم) و مانند آن که در قرآن کراراً در مورد خداوند به کار رفته است به این معنی نیست که خداوند چیزی را نمی‌دانسته و سپس از آن آگاه شده است، بلکه مراد همان تحقق و عینیت پیدا کردن این واقعیت‌هاست.

توضیح اینکه: خداوند ازازل از همه حوادث و موجودات آگاه بوده است هر چند آنها تدریجاً به وجود می‌آیند، بنا بر این حدوث حوادث و موجودات چیزی بر علم و دانش او نمی‌افزاید بلکه آنچه قبلاً می‌دانسته به این ترتیب پیاده می‌شود و به این می‌ماند که شخص معماری نقشه ساختمانی را طرح کند و از تمام جزئیات آن قبل از وجودش آگاه باشد و سپس آن نقشه را تدریجاً پیاده کند، هنگامی که معمار مزبور تصمیم بر پیاده کردن قسمتی از نقشه ساختمان را می‌گیرد، می‌گوید این کار را به خاطر این می‌کنم تا آنچه را در نظر داشته‌ام ببینم، یعنی می‌خواهم نقشه علمی خود را جامه «عمل» بپوشانم (بدون شک علم خدا با بشر - چنانکه در بحث صفات خداوند گفته‌ایم - تفاوت بسیار دارد، منظور ذکر مثالی برای روشن شدن بحث است) جمله «و ان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله» بازگو کننده این حقیقت است که خلاف عادت قدم بر داشتن و تحت تأثیر احساسات بیجا قرار نگرفتن، کار بسیار مشکلی است مگر برای کسانی که برآستی به خدا ایمان داشته، و تسلیم فرمان او باشند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۹۰

آیه ۱۴۴

آیه و ترجمه

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها فول وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره و ان الذين اوتوا الكتب

ليعلمون انه الحق من ربهم وما الله بغفل عما يعملون ۱۴۴

ترجمه :

۱۴۴- نگاه‌های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهائی) می‌بینیم، اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی باز می‌گردانیم، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن، و هر جا باشی روی خود را به جانب آن بگردانید، و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده بخوبی می‌دانند این فرمان حق است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده (و در کتابهای خود خوانده‌اند که پیغمبر اسلام به سوی دو قبله نماز می‌خواند) و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن آیات غافل نیست).

تفسیر :

همه جا رو به سوی کعبه کنید

همانگونه که قبلاً اشاره شد، بیت المقدس قبله نخستین و موقت مسلمانان بود، لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انتظار می‌کشید که فرمان تغییر قبله صادر شود، به خصوص اینکه یهود پس از ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه این موضوع را دستاویز خود قرار داده بودند، و مرتباً مسلمانان را سرزنش می‌کردند: اینها استقلالی از خودند! اینها پیش از آنکه ما به آنها یاد دهیم اصلاً از امر قبله سر در نمی‌آوردند! قبول قبله ما دلیل بر قبول مذهب ما است! و مانند اینها.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۹۱

در آیه مورد بحث به این امر اشاره شده و فرمان تغییر قبله در آن صادر گردیده است می‌فرماید: «ما نگاه‌های انتظار آمیز تو را به آسمان (مرکز نزول وحی) می‌بینیم (قد نری تقلب وجهک فی السماء).»
«اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن راضی خواهی بود باز می‌گردانیم (فلنولينك قبله ترضيها).

«هم اکنون صورت خود را به سوی مسجد الحرام و خانه کعبه بازگردان»
(فول وجهک شطر المسجد الحرام).

نه تنها در مدینه، هر جا باشید، روی خود را به سوی مسجد الحرام کنید (و) حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره).

می‌دانیم این تغییر قبله - طبق روایات - در حال نماز ظهر بود، و در یک لحظه حساس و چشمگیر انجام گرفت، پیک وحی خداوند بازوان پیامبر

(صلی الله علیه و آله و سلم) را گرفته و از بیت المقدس به سوی کعبه برگردانید، و فوراً مسلمانان صفوف خود را تغییر دادند، حتی در روایتی می‌خوانیم که زنها جای خود را به مردان و مردان جای خود را به زنان دادند (باید توجه داشت که بیت المقدس تقریباً در سمت شمال بود، در حالی که کعبه درست در سمت جنوب قرار داشت).

جالب اینکه تغییر قبله یکی از نشانه‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در کتب پیشین ذکر شده بود، چه اینکه آنها خوانده بودند که او به سوی دو قبله نماز می‌خواند یصلی الی القبلتین.

لذا در آیه فوق بعد از این فرمان اضافه می‌کند: «کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده است، میدانند این فرمان حقی است از ناحیه پروردگارشان» (و ان الذین اوتوا الكتاب لیعلمون انه الحق من ربهم).

بعلاوه همین امر که پیامبر اسلام تحت تاثیر عادات محیط خود قرار نگرفت و کعبه را که مرکز بتها و مورد علاقه عموم عرب بود در آغاز کنار گذاشت، و قبله

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۹۲

یک اقلیت محدود را به رسمیت شناخت خود دلیلی بر صدق دعوت او و الهی بودن برنامه‌هایش به شمار می‌رفت.

و در پایان اضافه می‌کند خداوند از اعمال آنها غافل نیست (و ما الله بغافل عما یعملون).

یعنی آنها به جای اینکه این تغییر قبله را به عنوان یک نشانه صدق او که در کتب پیشین آمده معرفی کنند، کتمان کرده و به عکس روی آن جنجال به راه انداختند، خدا، هم از اعمالشان آگاه است، و هم از نیاتشان.

نکته‌ها:

۱- نظم آیات

محتوای آیه مورد بحث به خوبی نشان می‌دهد که قبل از آیه گذشته نازل شده است و اگر می‌بینیم در قرآن بعد از آن قرار گرفته به خاطر این است که آیات قرآن بر حسب تاریخ نزول جمع‌آوری نشده است، بلکه گاه مناسباتی ایجاد کرده که آیه‌ای که نزولش بعد بوده به دستور پیامبر که از فرمان خدا سرچشمه می‌گرفت قبلاً ذکر شود (از جمله این مناسبت‌ها رعایت اولویت و اهمیت مطالب است).

۲- انتظار دردناک!

از آیه فوق، استفاده می‌شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علاقه خاصی (به کعبه داشت و انتظار آن را می‌کشید که فرمان قبله بودن آن صادر گردد، علت این امر را در علاقه شدید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابراهیم (علیه السلام) و آثار او باید جستجو کرد، از این گذشته «کعبه» قدیمی‌ترین خانه توحید بود، او می‌دانست که «بیت المقدس» قبله موقتی مسلمانان است، و آرزو داشت قبله اصلی و نهائی زودتر تعیین گردد.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۹۳

اما از آنجا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تسلیم فرمان خدا بود حتی این تقاضا را بر زبان نیاورد، تنها نگاه‌های انتظار آمیزش به آسمان نشان می‌داد که او عشق و شوق شدیدی در دل دارد. ضمناً تعبیر به «آسمان» شاید به خاطر این باشد که «فرشته وحی» از طرف بالا بر او نازل می‌شد و گرنه می‌دانیم نه خداوند مکانی دارد، و نه وحی او محل معینی.

۳- معنی «شطر»

موضوع دیگری که در اینجا قابل دقت است اینکه: در آیه فوق به جای کلمه کعبه، «شطر المسجد الحرام» ذکر شده. این تعبیر ممکن است به خاطر آن باشد که برای آنها که در نقاط دور از مکه نماز می‌خوانند محاذات با خانه کعبه بسیار دشوار یا غیر ممکن است، لذا به جای خانه «کعبه» «مسجد الحرام» که محل وسیعتری است، ذکر شده، و مخصوصاً کلمه «شطر» که به معنی سمت و جانب است، انتخاب گردیده، تا انجام این دستور اسلامی، برای همگان در هر جا باشند میسر گردد، بعلاوه تکلیف صفهای طولانی نماز جماعت که در بسیاری اوقات از طول کعبه بیشتر است روشن شود. بدیهی است محاذات دقیق با خانه کعبه و حتی با مسجد الحرام گرچه برای کسانی که از دور نماز می‌خوانند کار بسیار مشکلی است، ولی ایستادن به سمت آن برای همه آسان است.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۹۴

۴- خطاب همگانی

بدون شک خطابات قرآن ولو در ظاهر متوجه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد، مفهوم عامی دارد که شامل همه مسلمانان می شود (جز موارد معدودی که دلیل بر اختصاص آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در دست داریم) با توجه به این امر این سؤال پیش می آید که چرا در آیه فوق یک بار به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که رو به سوی مسجد الحرام نماز بخواند، و یکبار همه مؤمنان را مخاطب ساخته؟. این تکرار ممکن است به این دلیل باشد که مسأله تغییر قبله یک مسأله جنجالی و پر سر و صدا بود، و امکان داشت، به خاطر جنجالها و سمپاشیها، ذهن افراد تازه مسلمان مشوب گردد، و به عذر اینکه خطاب «فول و جهک» مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است از زیر بار نماز خواندن به جانب کعبه شانه خالی کنند، لذا خداوند بعد از این خطاب مخصوص، یک خطاب عام متوجه همه مسلمانان کرد تا تأکید کند که این تغییر قبله به هیچوجه یک امر خصوصی نیست بلکه برای عموم مسلمانها است.

۵- آیا تغییر قبله به خاطر خشنودی پیامبر بود؟

جمله «قبلة ترضاها» (قبله ای که از آن خشنود شوی) ممکن است این توهم را ایجاد کند که این تغییر به خاطر خشنودی پیامبر صورت گرفت ولی این توهم با توجه به این نکته از میان می رود که بیت المقدس قبله موقت بود، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انتظار اعلام قبله نهائی را می کشید که با صدور فرمان آن از یک سو زبان طعن یهود از مسلمانان قطع می شد، و از سوی دیگر موجبات علاقمندی بیشتری در مردم حجاز که توجه خاصی به کعبه داشتند برای پذیرش آئین اسلام فراهم می ساخت، ضمناً اعلام قبله نخستین نیز این اثر را داشت که اسلام را از اینکه یک آئین نژادی باشد جدا کرد، بعلاوه قلم بطلان بر بتهای بت پرستان که

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۹۵

در کعبه قرار داشتند کشیده بود.

۶- کعبه مرکز یک دایره بزرگ

اگر کسی از بیرون کره زمین به صفوف نمازگذاران مسلمانان که رو به سوی کعبه نماز می خوانند بنگرد، دوایر متعددی را می بیند که یکی در درون دیگری قرار گرفته تا به کانون اصلی که نقطه کعبه است می رسد، و وحدت و

مرکزیت آن را مشخص می‌سازد.
بدون شک این قبله از برنامه‌ای که مثلاً مسیحیان دارند که همگی در هر جا باشند به سمت مشرق نماز می‌خوانند الهام بخشتر است.
جالب اینست که توجه خاص مسلمانان به تعیین سمت کعبه سبب شد که علم هیئت و جغرافیا در آغاز اسلام در میان مسلمانان به سرعت رشد کند، زیرا که محاسبه سمت قبله در نقاط مختلف روی زمین بدون آشنائی با این علوم امکان نداشت.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۹۶

آیه ۱۴۵

آیه و ترجمه

و لئن اتیت الذین اوتوا الکتب بکل ایه ما تبعوا قبلتک و ما انت بتابع قبلتهم و ما بعضهم بتابع قبله بعض و لئن اتبعت اهواءهم من بعد ما جاءک من العلم انک اذا لمن الظالمین ۱۴۵

ترجمه :

۱۴۵- سوگند که اگر هر گونه آیه (و نشانه و دلیلی) برای (این گروه) از اهل کتاب بیاوری از قبله تو پیروی نخواهند کرد، و تو نیز هیچگاه از قبله‌ی آنان پیروی نخواهی نمود (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر تغییر قبله امکانپذیر است) و هیچ یک از آنها پیروی از قبله دیگری نمی‌کنند، و اگر تو پس از این آگاهی متابعت هوسهای آنها کنی مسلماً از ستمگران خواهی بود.

تفسیر :

آنها به هیچ قیمت راضی نمی‌شوند

در تفسیر آیه قبل خواندیم که اهل کتاب می‌دانستند تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه نه تنها ایرادی بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست، از جمله نشانه‌های حقانیت او است زیرا در کتابهای خود خوانده بودند پیامبر موعود به سوی دو قبله نماز می‌خواند ولی تعصیبها نگذاشت آنها حق را بپذیرند.

اصولاً انسان تا زمانی که تصمیم‌گیری قبلی روی مسائل نکرده باشد، قابل تفاهم است و می‌توان با دلیل و منطق یا ارائه معجزات، عقیده او را تغییر داد و حقیقتی را برای او اثبات نمود.

اما هنگامی که موضع خود را قبلاً بطور قطع مشخص کرده، مخصوصاً

مورد افراد متعصب و نادان، چنین کسانی را به هیچ قیمت نمی‌توان تغییر داد. لذا قرآن در آیه مورد بحث با قاطعیت می‌گوید: «سوگند که اگر هر گونه آیه و نشانه و دلیلی برای (این گروه از) اهل کتاب بیاوری از قبله تو پیروی نخواهند کرد» (و لئن اتیت الذین اوتوا الكتاب بكل آیه ما تبعوا قبلتک). بنابراین خود را خسته مکن که آنها به هیچ قیمت تسلیم حق نخواهند شد چرا که روح حقیقت جوئی در آنها مرده است.

متأسفانه همه پیامبران الهی با این گونه افراد روبرو بوده‌اند که یا از ثروتمندان با نفوذ بودند، یا دانشمندان منحرف و دنیاپرست و یا عوام جاهل و متعصب!

بعدا اضافه می‌کند: تو نیز هرگز تابع قبله آنها نخواهی شد (و ما انت بتابع قبلتهم).

یعنی اگر آنها تصور می‌کنند با این قال و غوغاها بار دیگر قبله مسلمانان تغییر خواهد کرد کور خوانده‌اند، این قبله همیشگی و نهائی مسلمین است. و این تعبیر در واقع یکی از طرق پایان دادن به جنجالهای مخالفین است که انسان با قاطعیت بایستد و نشان دهد با این سر و صداها در مسیر خود هیچگونه دگرگونی ایجاد نخواهد کرد.

سپس می‌افزاید: و آنها نیز آنچنان در عقیده خود متعصبند که «هیچیک از آنها پیرو قبله دیگری نیست» (و ما بعضهم بتابع قبله بعض). نه یهود از قبله نصاری پیروی می‌کنند و نه نصاری از قبله یهود. و باز برای تاءکید و قاطعیت بیشتر به پیامبر اخطار می‌کند که اگر پس از این آگاهی که از ناحیه خدا به تو رسیده تسلیم هوسهای آنان شوی و از آن پیروی کنی مسلماً از ستمگران خواهی بود (و لئن اتبعت اهوائهم من بعد ما جائک من العلم انک اذا لمن الظالمین).

در قرآن نظیر این گونه خطابها که به صورت قضایای شرطیه است نسبت به پیامبر مکرر دیده می‌شود و هدف آن در واقع سه چیز است: نخست اینکه همگان بدانید در قوانین الهی هیچگونه تبعیض و تفاوتی در میان مردم نیست، و حتی پیامبران نیز مشمول این قوانین هستند، بنابراین اگر به

فرض محال، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم انحرافی از حق پیدا کند، مشمول کیفر پروردگار خواهد شد، هر چند چنین فرضی در مورد پیامبران با آن ایمان و علم سرشار و مقام تقوا و پرهیزکاری امکانپذیر نیست، (و به اصطلاح قضیه شرطیه دلالت بر وجود شرط نمی کند).

دیگر اینکه سایر مردم حساب خود را کاملاً برسند و بدانند جایی که پیامبر چنین است آنها چگونه مراقب مسئولیتهای خویش باشند، و هرگز نباید تسلیم تمایلات انحرافی دشمنان و جار و جنجالهای آنها شوند.

سوم اینکه روشن شود پیامبر نیز از خود اختیار هیچگونه تغییر و دگرگونی در احکام خدا ندارد و به اصطلاح چنان نیست که بشود با او به کنار آیند و سازش کنند بلکه او هم بندهای است سر بر فرمان پروردگار.

